



شورای راهبردی
روابط خارجی

اهداف و پیامدهای توافق انرژی چین با جمهوری آذربایجان



کامران بخاری

استاد امنیت بین‌الملل
دانشگاه اتاناوا

بیش از دو سال از زمان بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان می‌گذرد؛ چین و هند، هر دو در تلاش برای ایجاد روابط کاری با رژیم طالبان هستند. در ماه سپتامبر، چین به اولین کشوری تبدیل شد که پس از تسلط طالبان بر افغانستان، سفیر خود را به این کشور اعزام کرد. یک ماه بعد و در ماه اکتبر، وزیر بازرگانی افغانستان برای شرکت در نشست در مورد ابتکار کمربند و جاده چین به پکن سفر کرد. در اواخر نوامبر نیز، طالبان کنترل کنسولگری افغانستان در دو شهر بزرگ هند، یعنی بمبئی و حیدرآباد را به دست گرفت و معاون وزیر امور خارجه افغانستان اعلام کرد، سفارت افغانستان در دهلی نوبه زودی بازگشایی خواهد شد.

از نظر پکن، این تلاش‌ها موجب می‌شود که اطمینان حاصل شود، افغانستان برنامه‌های ابتکاری کمربند و جاده را تضعیف نکرده و استان سین کیانگ در شمال غربی چین را که اکثریت مسلمان دارد، بی‌ثبات نمی‌کند. خصوصاً اینکه این تلاش‌ها زمانی انجام می‌شود که چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان با مشکلات جدی مواجه است. اما از نقطه نظر دهلی نو، رژیم طالبان برای مدیریت رقابت تاریخی هند با پاکستان و مخاطرات امنیتی در مناطق غربی این کشور، عاملی کلیدی است اما ارتباط با طالبان به‌ویژه برای هر دو دولت، چالش برانگیز خواهد بود، زیرا این دو کشور برای نفوذ در سراسر جنوب غربی آسیا با هم رقابت می‌کنند.

پکن و تغییر رژیم در کابل

زمانی که شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین، طرح کمربند و جاده را در سال ۲۰۱۳ راه‌اندازی کرد، منطقه شرایط بسیار متفاوتی داشت. در سال ۲۰۱۳، ایالات متحده روند تحویل مسئولیت امنیتی افغانستان را به دولت این کشور که از حمایت بین‌المللی برخوردار بود، تکمیل کرد. هر چند در آن زمان نیز هنوز حمایت امنیتی آمریکا از دولت افغانستان به واسطه حضور نظامی قابل توجه آمریکا در این کشور، پابرجا بود. در همان سال، طالبان دفتر سیاسی خود را در قطر به عنوان بخشی از مذاکرات در جریان با واشنگتن افتتاح کرد. هدف از انجام این مذاکرات، دستیابی به توافقنامه تقسیم قدرت بین گروه جهادی و دولت در کابل بود. از منظر چین، آمریکایی‌ها اطمینان حاصل می‌کردند که بی‌ثباتی در افغانستان مهار می‌شود و این ثبات پکن را قادر می‌سازد تا از طریق پروژه زیرساختی

شورای راهبردی روابط خارجی ایران نوشت: «تفاهم اخیر بین جمهوری آذربایجان و چین، ضمن اینکه مباحث مرتبط با واردات و صادرات نفت و گاز و توسعه انرژی‌های نو را پوشش می‌دهد، به پیشبرد رویکرد چین در حل و فصل با کاهش تنش‌ها در قفقاز نیز کمک می‌کند. این تفاهم، برای همکاری در توسعه پروژه‌هایی از جمله اکتشاف و توسعه منابع انرژی‌های تجدیدپذیر با ظرفیت ۲ گیگاوات و همچنین تبادل تجربه در زمینه انتقال انرژی الکتریکی از راه دور از طریق کابل‌های جریان مستقیم فشارقوی به امضا رسید. ضمن اینکه این تفاهم، از پایداری مالی و کارایی بخش انرژی حمایت می‌کند و به ترویج استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر در جمهوری آذربایجان نیز کمک خواهد کرد. همکاری در ارزیابی فرصت‌ها برای سرمایه‌گذاری در انرژی خورشیدی در مقیاس کاربردی، انرژی باد خشکی و فراساحلی، ذخیره انرژی و سیستم‌های انرژی هوشمند یکپارچه و همچنین هیدروژن سبز از دیگر مفاد توافقنامه است. در این سند امکان مطالعه برای اتصال این پروژه‌ها به شبکه، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی آن، بررسی‌های زمین‌شناسی و توپوگرافی مناطق تحت مطالعه هم فراهم شده است. با توجه به اینکه چین در زمینه انرژی‌های جایگزین، پیشرفت‌های زیادی داشته، می‌تواند به جمهوری آذربایجان برای تنوع‌بخشی به اقتصاد و کاهش وابستگی به منابع نفت و گاز کمک زیادی خصوصاً در حوزه معرفی فناوری‌های جدید، نوسازی زیرساخت‌ها، ارتقاء سرمایه‌گذاری متقابل و تبادل اطلاعات و دانش مرتبط با آن داشته باشد. با توجه به چشم‌انداز کاهش مصرف انرژی‌های فسیلی و افزایش تدریجی زیرساخت‌های مرتبط با استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در کشورهای مصرف‌کننده انرژی‌های هیدروکربنی، جمهوری آذربایجان تمایل دارد برای عدم وابستگی اقتصادی به انرژی نفت و گاز و حفاظت از محیط زیست، مشارکت‌ها و همکاری‌های تجاری را در بخش انرژی‌های سبز توسعه دهد. در این میان، چین نیز با هدف تسهیل، ترویج و تشویق توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در جمهوری آذربایجان ضمن پیگیری اهداف اصلی دیگر در حال سرمایه‌گذاری گسترده است. چین به دلیل موقعیت استراتژیک جمهوری آذربایجان، به‌عنوان بازیگر کلیدی در حوزه حمل‌ونقل بین اروپا و آسیا از طریق مسیر حمل‌ونقل بین‌المللی ترانس خزر که به «کریدور میانی» معروف است، در نظر دارد از طریق این کشور توازن استراتژیک میان خود و سایر رقبای منطقه‌ای ایجاد کند. باتوجه به اینکه باکو، رقیب سرسخت مسکو در بخش ترانزیت گاز محسوب می‌شود که در شرایط دشوار روسیه از سیاست مهار علیه این کشور استفاده کرده، ورود چین به بازار انرژی آذربایجان می‌تواند تا حد زیادی توسعه نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی را که در صدد رقابت و کشمکش با روسیه، به‌عنوان متحد استراتژیک چین، هستند، کنترل کند. فرصت‌های اقتصادی رفتارهای منطقه‌ای را شکل می‌دهند و چین نیز در تلاش است تا از طریق مبادلات اقتصادی-تجاری-انرژی حضور جدی‌تری در قفقاز و شرق اروپا داشته باشد. چین با هدف توسعه و ایجاد تنوع در بازارهای مصرف و کاهش هزینه‌ها، کشورهای را که در کانون منابع انرژی و کریدورهای ترانزیتی هستند، مورد توجه قرار می‌دهد. گرچه افزایش تولید انرژی جمهوری آذربایجان، کسری سوخت چین را کاهش نمی‌دهد، اما در بازار پرتوسان و گران‌قیمت انرژی، تا حدی به آن کمک خواهد کرد.

توافق اخیر بین جمهوری آذربایجان و چین، ضمن اینکه مباحث مرتبط با واردات و صادرات نفت و گاز و توسعه انرژی‌های نو را پوشش می‌دهد، به پیشبرد رویکرد چین در حل و فصل با کاهش تنش‌ها در قفقاز نیز کمک می‌کند. فرسایش بیشتر ثبات و امنیت در این منطقه، می‌تواند ضمن تغییر نقشه درگیری، کشورهای پیرامونی را که هم‌پیمان چین هستند، تحت تأثیر تبعات منفی قرار دهد. از نگاه پکن، تعامل با کشورهای منطقه، باعث تقویت انعطاف‌پذیری آنان و کمک به حفظ صلح و ثبات خواهد شد. گسترش روابط چین با جمهوری آذربایجان با تأثیر بر ترافیک وارداتی و ایجاد ممنوعیت یا محدودیت‌های صادراتی، به توقف کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد. در واقع توافق با چین فرصت طلایی برای جمهوری آذربایجان به وجود می‌آورد تا از نظم جدید منطقه‌ای که پس از جنگ قره‌باغ ایجاد شده است، بهره‌مند شود. هر چند آمریکا و هند در این منطقه، موانعی را برای چین ایجاد خواهند کرد؛ اما چین با انعقاد توافقنامه‌هایی از جمله توافق اخیر در حوزه انرژی، تاکتیک‌های متوسمی را برای حضور خود به وجود می‌آورد؛ تاکتیک‌هایی که ممکن است معادله امنیتی منطقه را به شدت تغییر دهد.



رقابت چین و هند

چین و دهلی نو در تلاش برای یافتن راهی

در عین حال، بی‌ثباتی مزمین سیاسی-اقتصادی در پاکستان، متحد چین، به حدی رسیده است که اسلام‌آباد در یک فروپاشی بی‌سابقه قرار دارد و عمیقاً در برابر ناامنی‌هایی که از افغانستان منتشر می‌شود، آسیب‌پذیر است. چینی‌ها به پاکستان - حامی دیرینه طالبان افغانستان - تکیه می‌کردند تا به آنها کمک کنند تا افغانستان تحت کنترل طالبان را مدیریت کنند و در نتیجه سرمایه‌گذاری‌های خود را در آسیای جنوبی و آسیای مرکزی تضمین کنند. اما در حالی که پاکستانی‌ها برای حفظ امنیت داخلی خود تلاش می‌کنند، چین خودش باید رهبری امنیت منطقه‌ای را بر عهده بگیرد و این کاری است که چینی‌ها هرگز مجبور به انجام آن نبوده‌اند. تعامل دیپلماتیک با طالبان بخشی از این روند ضروری است که به‌طور جدی میزان سود تجاری پکن از افغانستان غنی از مواد معدنی را محدود خواهد کرد.

چندمیلیارد دلاری خود به نام کریدور اقتصادی چین و پاکستان، ابتکار کمربند و جاده را در آسیای مرکزی و جنوب آسیا پیش برد. به عبارت دیگر، چین توانست برنامه‌های کمربند و جاده را پیش ببرد زیرا ایالات متحده امنیت در آسیای جنوبی و مرکزی را تضمین می‌کرد. چینی‌ها می‌دانستند که ایالات متحده برای خروج از افغانستان تلاش می‌کند، اما خروج ناگهانی در تابستان ۲۰۲۱ و متعاقب آن، فروپاشی دولت افغانستان را پیش‌بینی نمی‌کردند. آنها همچنین احتمالاً پیش‌بینی نمی‌کردند که جنگ روسیه در اوکراین مسکو را تا حدی تضعیف کند که توانایی کرملین برای حفظ امنیت در آسیای مرکزی به‌طور جدی به خطر بیفتد، یا اینکه پکن در شرایط اقتصادی وخیمی قرار بگیرد و مجبور شود برای رسیدن به تفاهم با واشنگتن تلاش کند.

چین و هند اکنون هر دو در تلاش هستند تا راهی برای همکاری با طالبان بیابند. چالش فوری آنها این است که ماهیت اسلام‌گرا و رادیکال رژیم طالبان، محدودیت‌های شدیدی بر اینکه پکن و دهلی نو تا چه حد می‌توانند در توسعه روابط پیش بروند، ایجاد می‌کند



اصولی کشور، یعنی فناوری پیشرفته، ۱۳ میلیارد دلار برای حمایت از صنعت ساخت تراشه و ۲ میلیارد دلار دیگر برای آموزش علم و فناوری اختصاص داده است. عامل دیگر نوسازی صنعت دفاعی ژاپن است. ژاپن قصد دارد در پنج سال آینده ۲۹۵ تا ۳۱۸ میلیارد دلار برای صنعت دفاعی اش هزینه کند. با این حال، به نظر می‌رسد دولت ژاپن به فرصت‌هایی که دستیابی به آسیای مرکزی در اختیارش قرار می‌دهد، پی برده است. یکی از پنج رکن بسته محرک اقتصادی ژاپن که در ماه اکتبر معرفی شده، سرمایه‌گذاری به‌ویژه در مناطق در حال توسعه غنی از منابع طبیعی است. این بسته جدید محرک اقتصادی، فوری‌ترین اولویت دولت ژاپن است و به گفته کیشیدا، صندوق ذخیره ارزی منابع لازم برای اجرای آن را در دسترس قرار داده است. بنابراین، در حالی که به نظر می‌رسد تکیه به مدرن‌سازی ارتش خود به موازات سرمایه‌گذاری در آسیای مرکزی ادامه می‌دهد اما باز هم برقراری تعادل در این هزینه‌کرد دشوار به نظر می‌رسد. عامل سوم جغرافیا است. هنوز مشخص نیست که ژاپن چگونه هیدروکربن و مواد معدنی مورد نیازش را بدون عبور از روسیه یا چین وارد می‌کند. یک امکان، انتقال گاز طبیعی از طریق خط لوله ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند و سپس واردات آن از طریق مسیرهای دریایی است. با توجه به اینکه ژاپن اخیراً روابط اقتصادی خود را با پاکستان و هند تحکیم کرده و حضور خود را در اقیانوس هند و اقیانوس آرام تثبیت کرده است، این راه‌حل عملی به نظر می‌رسد. با این حال، ساخت خط لوله ترکمنستان - افغانستان - پاکستان - هند سال‌هاست که متوقف شده است و اکنون که طالبان مجدداً قدرت را در افغانستان در اختیار دارد، تردیدهایی در مورد اینکه آیا این خط لوله در هر صورت ایمن خواهد بود، وجود دارد. مسائل حمل‌ونقل یکی از مهمترین موضوعات در نشست CS در ژاپن خواهد بود. اما شاید بتوان گفت، مهمترین مانع پیش روی ژاپن، خود چین باشد. اگر چه کشورهای آسیای مرکزی ژاپن را شریک سرمایه‌گذاری قابل اعتمادتری می‌دانند، اما نمی‌توانند یک‌شبه از چین روی برگردانده و به ژاپن متمایل شوند. چین همچنان بزرگترین شریک تجاری منطقه است و حدود ۴۰ درصد از بدهی‌های دولتی کشورهای CS را در اختیار دارد. با اینکه برخی از پروژه‌های طرح کمربند و جاده متوقف شده‌اند اما بسیاری از آنها به پایان رسیده یا در حال تکمیل هستند. به زبان ساده‌تر، ژاپن به این زودی نمی‌تواند جایگزین چین شود، حتی اگر همکاری دو جانبه سودمند با کشورهای منطقه شکل دهد.

احتمالاً تکیه نیز با این مسئله مشکلی ندارد، زیرا آسیای مرکزی تنها یکی از مکان‌هایی است که ژاپن به دنبال تقویت نفوذ خود در آن از طریق سرمایه‌گذاری است. این کشور به عضو فعال‌تر از اتحاد هند و اقیانوسیه به رهبری ایالات متحده تبدیل شده است. این اتحادیه با هدف مقابله با هژمونی منطقه‌ای چین ایجاد شده و از طریق تقویت روابط امنیتی با کشورهای مانند فیلیپین و ویتنام، تقویت می‌شود. از آنجایی که کشورهای آسیای جنوب شرقی، مانند هم‌تایان خود در آسیای مرکزی، به دلیل افزایش

سودای توکیو برای گسترش نفوذ

توکیو برخلاف پکن بر روی مناطق و بخش‌های خاصی سرمایه‌گذاری کرده تا نفوذ خود را گسترش دهد

که مبتنی بر وام دادن به کشورهای منطقه است خود وارد عمل شده و قصد داشت که نه تنها روابط اقتصادی با این کشورها را تقویت کند، بلکه یک منطقه حائل برای مدیریت چالش‌های امنیتی خود ایجاد کند اما اکنون که بسیاری از پروژه‌های ابتکار کمربند و جاده متوقف شده‌اند، کشورهای آسیای مرکزی مجبور شده‌اند به دنبال مکان‌های مطمئن‌تر دیگری برای کسب حمایت باشند. بنابراین، علاقه ژاپن به این منطقه زمانی ابراز می‌شود که آسیای مرکزی نیز مشتاق چنین علاقه‌ای است. این امر به‌ویژه در مورد انرژی صادق است. درگیری‌ها در اوکراین و خاورمیانه امنیت انرژی جهانی را تضعیف کرده است و ژاپن بسیار به واردات انرژی وابسته است. بنابراین تنوع منابع انرژی برای تکیه اولویت اساسی است. به همین منظور، ژاپن اولین گفت‌وگوی اقتصادی و انرژی در سطح وزیران را با قرقیزستان، ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان در تاریخ ۲۶ سپتامبر برگزار کرد و پس از این نشست، همه طرف‌ها برنامه‌های خود را برای اجرای یک مکانیسم اعتباری مشترک اعلام کردند. در نقاط دیگر، ژاپن حضور منطقه‌ای خود را با سرمایه‌گذاری در بخش‌های معدنی، صنعتی و انرژی تقویت می‌کند. اکثر این پروژه‌ها هنوز در مراحل اولیه خود هستند. انتظار می‌رود توافقات بر سر تمدید این پروژه‌ها در اجلاس CS در سال ۲۰۲۴ نهایی شود. دستور کار این اجلاس احتمالاً شامل اهداف مهم ژاپن برای منطقه، از جمله ایجاد مسیر حمل‌ونقل دریای خزر که روسیه را دور می‌زند، معرفی پارامترهای استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر خواهد بود.

اینکه ژاپن بتواند به یک بازیگر اقتصادی مسلط در آسیای مرکزی تبدیل شود به عوامل مختلفی بستگی دارد. یکی از عوامل، محدودیت‌های مالی خود ژاپن است. اقتصاد ژاپن در جولای تاسیما بر در مقایسه با مدت مشابه در سال گذشته، ۲/۱ درصد کوچک‌تر شده است. سرمایه‌گذاری شرکت‌ها ۲/۵ درصد کاهش یافته است. با تضعیف سرمایه‌گذاری و کاهش میزان تقاضا در سایر اقتصادهای بزرگ، انتظار می‌رود رشد تولید ناخالص داخلی ژاپن از ۱/۷ درصد در سال جاری به ۰/۵ درصد در سال ۲۰۲۴ کاهش یابد و دولت ژاپن را وادار کند تا برای حمایت از اقتصاد بخش خصوصی از طریق حمایت‌های دولتی وارد عمل شود. تکیه برای تقویت یکی از محرک‌های



ویکتوریا هرچک

تحلیلگر ارشد GPF

ژاپن هر روز بیشتر از دیروز به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای رفتار تهاجمی اتخاذ می‌کند و بر همین اساس، ارتباطات دیپلماتیک خود را نیز افزایش داده است. به‌عنوان مثال، در اواخر ماه نوامبر، گزارش‌هایی مبنی بر علاقه توکیو به گسترش حوزه نفوذش در آسیای مرکزی منتشر شد. فومو کیشیدا، نخست‌وزیر ژاپن، قصد دارد در اوایل سال ۲۰۲۴ برای برگزاری نشست با رهبران کشورهای قرقیزستان، ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان با هدف ایجاد روابط اقتصادی بیشتر با این کشورها به آسیای مرکزی سفر کند. ژاپن، به‌طور ویژه‌ای به منابع عظیم هیدروکربن، ذخایر معدنی و مسیرهای تجاری حیاتی آسیای مرکزی علاقه‌مند شده است. در عین حال، توکیو همچنین سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در آمریکای لاتین و آفریقا صورت داده و سطح مراودات دیپلماتیکش را با شریک‌های سنتی در جنوب شرقی آسیا افزایش داده است.

رفتار ژاپن کاملاً در تضاد با رفتار چین است. چین یک قدرت منطقه‌ای است که مشکلات داخلی آن را مجبور کرده تا بیشتر به مسائل داخلی توجه کند. در حالی که پکن کل مناطق را با طرح کمربند و جاده خود درگیر کرده است، توکیو به شکلی استراتژیک کشورهای بخش‌های خاصی را هدف قرار داده است. اینطور به نظر می‌رسد که این استراتژی ژاپن هم ایمن است و هم امیدوارکننده. تعامل ژاپن در آسیای مرکزی این کشور را در رقابت مستقیم با روسیه و چین قرار می‌دهد. تا چندین دهه، مسکو نفوذ اقتصادی و فشار سیاسی خود را در این منطقه اعمال کرده است و در آنجا حضور نظامی قابل توجهی نیز داشته است اما تهاجم این کشور به اوکراین، نفوذ منطقه‌ای‌اش در آسیای مرکزی را تضعیف کرده و در نتیجه درها را برای چین باز کرده تا به یک بازیگر مسلط در این منطقه تبدیل شود. بنابراین، پکن با برنامه توسعه‌ای خود